

عبدالحمید مولوی

## نیشابور مرکز خراسان

### قدیم ترین پایگاه علوم اسلامی در ایران

در سواحل رودخانه‌های بزرگ، از قبیل نیل و دجله و فرات و کارون و سند و امثال آن بواسطه وجود آب فراوان، موجبات تمدن و شهرنشینی زودتر از جاهای دیگر مهیا بوده است و اگر در محلی رود بزرگ نبوده بناچار مردم در کنار رودهای کوچک کوهستانی، طرح سکونت انداخته و شهرنشینی را پایه‌گذاری کرده‌اند و بعداً در دامنه کوه‌های بزرگ، که آبریز وسیع‌تری دارد، بفکر تهیه و جریان آب‌های زیرزمینی افتاده و مخصوصاً ایرانیان که فهم و درک بهتری داشته‌اند به حفر کاریز پرداخته و با آب‌های زیرزمینی متناسب با ادوات زمان، اراضی زیادی از دشت دامنه کوه‌ها را آباد و تحت کشت و زرع درآورده‌اند.

دشت پهناور دامنه کوه نیشابور، که از مخازن برف‌های کوه نیشابور بهره‌مند است بواسطه رودخانه «دیزباد» و «گرینه» و «دررود» و «خرو» و «بوژان» و «میرآباد» و «خرسفرو» زودتر از دیگر مناطق خراسان، جامه تمصر بخود پوشیده و آباد و مردم‌نشین شده است.

## بنای نیشابور

در موقعیت ممتاز این دشت مقرون بهوای معتدل و سبزیهای متنوع و اشجار گوناگون سالها قبل از اسلام، شهری در دامنه جبال موصوف، بوجود آمده که بنای شهر را به شاپور فرزند اردشیر بابکان منسوب میدانند و شاپور دوم پادشاه ساسانی در تجدید بنا و گسترش شهر اقدامات مؤثر بعمل آورده است.<sup>۱</sup>

این شهر را نیشابور نامیده اند زیرا کلمه «نه» بکسر «نون» و اظهار «ها» بمعنی شهر است و نیشابور، در اصل «نه شاپور» بوده و بعداً در تلفظ، ها مبدل به یا شده و آنجا را نیشابور گفته اند.<sup>۲</sup>

## نامهای دیگر نیشابور

برای نیشابور نامهای دیگری بنام ابر شهر و بر شهر، و سمنجور (سمنگور) ذکر کرده اند، ولیکن نام معروف این شهر همان نیشابور است که اهل محل در تلفظ یا را محذوف داشته و نسابور می گویند و در بعضی از کتب تاریخ نیز این املاء دیده می شود و اعراب، نیشابور را به نسیابور تعریب کرده اند.

## نام مزارع عرصه شهر نیشابور قدیم:

ابو عبدالله الحاکم، مؤلف تاریخ نیشابور متوفای در سال چهارصد و پنج هجری قمری، عرصه شهر نیشابور قرون اولیه اسلام را شامل شصت قریه دانسته و اسامی دهاتی که در شهر نیشابور مستحیل گردیده، ذکر می کند. و محتمل است که در قرن پنجم و ششم هجری دهات دیگری هم در ضمن گسترش شهر نیشابور، ضمیمه آن بلد شده باشد که از نام آنها اطلاعی در دست نیست و نام قرائی که نیشابور را در عهد مؤلف تاریخ، تشکیل می داده بنقل از «تاریخ ابو عبدالله الحاکم» چنین است.

۱- صفحه ۴۰۹ ترجمه جغرافیای تاریخی لسترنج

۲- ص ۴۴۲۵، لغت آندراج چاپ تهران.

- ۱- بوی آباد یا زیق معرب ژیک یا جیک
- ۲- حنانه خشک      ۳- شحنه علیا
- ۴- شحنه سفلی      ۵- ماهک آباد
- ۶- سورین کوی
- ۷- دزدان (زندان دولتی نیشابور در این جا بوده) .
- ۸- زمجار سفلی      ۹- زمجار علیا
- ۱۰- باغ کبار      ۱۱- وینک آباد
- ۱۲- عارک آباد      ۱۳- دودیه یهود
- ۱۴- باغک      ۱۵- شهرستانه
- ۱۶- شاپور که بعداً نصرآباد نامیده شده .
- ۱۷- لعانچی سفلی
- ۱۸- بشمان آباد<sup>۳</sup> .
- ۱۹- داربجرد (داراب گرد)
- ۲۰- حیره .
- ۲۱- طبیرانه و این کوی را دزکان هم می گفته اند
- ۲۲- وافکر سلیط      ۲۳- وافکر معاذ
- ۲۴- مناشک علیا      ۲۵- مناشک سفلی
- ۲۶- خرقرن علی آباد      ۲۷- حافظ
- ۲۸- محفوظ      ۲۹- باغ بهاه
- ۳۰- زیرک آباد      ۳۱- محمدآباد
- ۳۲- فول      ۳۳- خندرون
- ۳۴- کنار سفلی .      ۳۵- راقعه .
- ۳۶- سیمجرد علیا .      ۳۷- سیمجرد سفلی (سیم گرد) .

- ۳۸- حفص آباد .  
 ۳۹- تلاجرد سفلی .  
 ۴۰- تلاجرد علیا .  
 ۴۱- جنجروود علیا (گنجروود)  
 ۴۲- جنجروود سفلی .  
 ۴۳- سهل .  
 ۴۴- تاشیش .  
 ۴۵- قباب (گنبدان)  
 ۴۶- خشنانه .  
 ۴۷- قنات حمزه علیا  
 ۴۸- خرك آباد .  
 ۴۹- عمروی آباد (عمرویه آباد)  
 ۵۰- قنات علیای جوری (گوری)  
 ۵۱- باب طاق (تاك) .  
 ۵۲- مسجد .  
 ۵۳- جوری علیا .  
 ۵۴- جوری سفلی .  
 ۵۵- جوسق (كوشك) .  
 ۵۶- سیستویه .  
 ۵۷- حافظ .  
 ۵۸- سلمة .  
 ۵۹- سوانقادر علیا .  
 ۶۰- سوانقادر سفلی<sup>۴</sup> .

اضافه بر شصت قریه فوق، نام و فرات آباد، و دستجرد و سهرامقان (سهرامگان) و قنات جهم از دستجرد، وماغین و کرم بکر وفازرشك و رقاب فارس را چون بر جوانب شهر واقع بوده ذکر کرده است .  
 برخی از اسامی این دهات نام‌های بعد از اسلام را دارد و بعضی بهمان لغات قدیمی باقی بوده است و از این کیفیت میتوان حدس زد که شهر نیشابور در موقعی که مسلمین وارد آنجا شده‌اند کوچکتر بوده و سپس دهاتی از حومه شهر داخل آبادی شهر گردیده یا اینکه اسامی برخی دهات بعداً بنام دیگر مبدل شده است .

#### مجلات نیشابور

شهر نیشابور در عهد زندگی ابو عبد الله الحاکم که بسال ۴۰۵ هجری قمری

۴- ص ۹۲۱ ترجمه کتاب تاریخ نیشابور الحاکم .

منتهی میشده چهل و هفت محله داشته که اسامی آنها عیناً از «تاریخ الحاکم» در اینجا نوشته میشود :

- ۱- محله جولاهکان که سپید کوچه زیادت داشته .
- ۲- محله حیره که بازار نیشابور از سر حیره تا قرب روضه سلطان حسین بطول یکفرسنگ تماماً سرپوشیده و مسقف بوده است .
- ۳- محله جامعه
- ۴- محله بوی آباد که اهم مخلات نیشابور بوده و مواضع دیگر را بآن مثل می زده اند و ابو مسلم مروزی صاحب الدعوه عباسی در ابتدای ورود به نیشابور در کاروان سرای این محله فرود آمده است.
- ۵- محله ملق آباد (ملق آباد = ملک آباد) که در علیای محله حیره واقع بوده است .
- ۶- محله میدان زیاد که بغایت بزرگ بوده است .<sup>۵</sup>
- ۷- محله نصر آباد (شاپور) که در علیای شهر واقع و مسکن علماء و تجار بوده .
- ۸- محله حوض کسلان (آب انبار کسلان) که در آنجامسجدی نیز بوده است
- ۹- محله زیق تعریب جیک یا ژیک<sup>۶</sup> که در علیای شهر نیشابور بوده .
- ۱۰- مناسک علیا .
- ۱۱- مناسک سفلی (در ضمن معرفی اعلام «تاریخ الحاکم» مناشک ذکر شده و شاید مناسک معرب مناشک باشد) .
- ۱۲- محله دیز که صحابه در آنجامسجدی ساخته اند
- ۱۳- محله نمد آباد که بزرگ بوده است .

۵- ص ۳۹۷ مرصداطلاع چاپ سنگی تهران .

۶- ص ۲۰۷، مرصداطلاع .

- ۱۴- محله باب (دروازه) ابی‌الاسود .
- ۱۵- محله قباب (گنبدان) .
- ۱۶- محله خواست که متصل به شادیاخ بوده است .
- ۱۷- محله شادیاخ که مکان عبدالله بن طاهر بوده و یعقوب‌لیث آنجا را خراب کرده و بساتین قرار داده و بعد از آن جزو شهر شده است .
- ۱۸- محله جلاباد (گل‌آباد) متصل به شادیاخ که بزرگ بوده <sup>۷</sup> .
- ۱۹- تلاجرد متصل به جلاباد و خنجرود و بزرگ بوده است .
- ۲۰- محله خنجرود (گنج‌رود) <sup>۸</sup> .
- ۲۱- محله حفص آباد .
- ۲۲- محله حمزك آباد که محله ای بزرگ بوده .
- ۲۳- محله محمدآباد که باغات و آب‌انبارها داشته است .
- ۲۴- محله قز که بهترین محلات از جهت آب‌وهوا بوده و در معجم البلدان این محله بنام «قز» ذکر شده و نام دیگر آن را «بوژگان» ذکر کرده است .
- ۲۵- محله درباغ که باغ ابومسلم مروزی در آنجا بوده است .
- ۲۶- محله باب عقیل (دروازه عقیل) .
- ۲۷- محله باب عسکر که بازار آشپزها و طعام‌فروشان و علافان در آنجا بوده است .
- ۲۸- محله باب عروه .
- ۲۹- محله حرب .
- ۳۰- محله باب معاذ .
- ۳۱- محله بیستان که درخت‌بید بسیار داشته است .

۷- ص ۱۱۶ مرصداالاطلاع تعریب گل‌آباد را تصریح دارد .

۸- ص ۱۱۹ مرصداالاطلاع، تعریب گنج‌رود ذکر شده .

- ۳۲- محله مرقعه که شاید محله مربعه یعنی چهارسو باشد که در نوشتن ، اسم آن را کاتب تحریف کرده است .
- ۳۳- محله سرپل
- ۳۴- محله دزدان (زندان دزدان در نزدیکی دارالاماره نیشابور وقوع داشته) .
- ۳۵- محله باب معمر
- ۳۶- محله در باغ تلاجرد (تلاگرد) .
- ۳۷- محله میدان حسین
- ۳۸- محله سیمجرد (سیم گرد) .
- ۳۹- الرقیبا .
- ۴۰- محله جوری (گوری) علیا که عیدگاه و مصلاهی نیشابور در آنجا بوده .
- ۴۱- محله جوری سفلی
- ۴۲- محله سر کوی
- ۴۳- محله سنجد ستانه
- ۴۴- محله باغ رازیان که اهل علم و تجار در آنجا بسیار بوده اند .
- ۴۵- محله باغ متصل بمحله «قر» که عبدالله بن عامر در موقع ورود به نیشابور در آنجا منزل کرد و مسجد او در آنجا بوده است .
- ۴۶- محله زمجار (شاید زمگار) و در «مرصد الاطلاع» زمجار را (رمجار) ضبط کرده است .
- ۴۷- محله خر کل آباد، که متصل به «زمجار» بوده است. در کتاب الحاکم در صفحه ۱۲۴ اضافه بر محلات چهل و هفت گانه محلات دیگری بنام سرواقه، در طرف مغرب شهر نیشابور و محله کرمانیان را نیز ذکر کرده است .
- در «مرصد الاطلاع» که تلخیص «معجم البلدان یاقوت حموی» است ، محلات دیگری برای نیشابور ذکر کرده که محتمل است بعد از عهد ابو عبدالله

الحاکم بوجود آمده باشد بشرح ذیل :

- ۱- جیز آباد<sup>۹</sup> .
  - ۲- محله داراب جرد (داراب گرد)<sup>۱۰</sup> .
  - ۳- محله الرماده<sup>۱۱</sup> .
  - ۴- محله سلس<sup>۱۲</sup> .
  - ۵- محله فارویه<sup>۱۳</sup> .
  - ۶- محله شاهنبر<sup>۱۴</sup> .
  - ۷- محله عزره که شاید تحریف «عروه» باشد<sup>۱۵</sup> .
  - ۸- محله فولو<sup>۱۶</sup> .
  - ۹- محله کلاغ استان<sup>۱۷</sup> .
  - ۱۰- محله میدان، که شاید میدان زیاد یا میدان حسین یا میدان هانی باشد<sup>۱۸</sup> .
  - ۱۱- محله میان<sup>۱۹</sup> .
  - ۱۲- محله دور<sup>۲۰</sup> .
- اسامی محلاتی که فوقاً ذکر شد عبارت است از آنچه ابو عبد الله الحاکم در کتاب «تاریخ نیشابور» نوشته واسامی محلاتی که «مراصدا لاطلاع» و «معجم البلدان» بنام محلات نیشابور در جغرافیا های مذکور درج گردیده است .
- محلات دیگر نیشابور
- با مطابقت دقیق نام بزرگان نیشابور که الحاکم در تاریخ خود بتفصیل نوشته

۸- ص ۱۱۹ مراصدا لاطلاع تعریب گنجرود ذکر شده .

۹- ص ۱۳۳ مراصدا لاطلاع ۱۰- ص ۱۶۶ همان کتاب

۱۱- ص ۱۹۳ مراصدا لاطلاع ۱۲- ص ۱۹۳ همان کتاب

۱۲- ص ۲۹۷ مراصدا لاطلاع ۱۴- ص ۲۳۵ مراصدا لاطلاع

۱۵- ص ۲۷۸ مراصدا لاطلاع ۱۶- مراصدا لاطلاع

۱۷- ص ۳۴۲ مراصدا لاطلاع ۱۸- ص ۳۹۰ همان کتاب

۱۹- ص ۳۹۰ مراصدا لاطلاع

۲۰- ص ۱۹۸ جلد چهارم معجم البلدان چاپ مصر

و مسکن برخی از آنها را در محلاتی ذکر کرده که نام آن محلات ضمن چهل و هفت محله‌ای که در آخر کتاب قلمداد کرده است نیست لذا نام محلات از قلم افتاده را استخراج کرده و در اینجا بدست می‌دهیم و منظورم این است که نام محلات آتی‌الذکر در زمان الحاکم، وجود داشته ولیکن بجهتی که برنویسنده مجهول است الحاکم نام آنها را ضمیمه چهل و هفت محله قرار نداده است باری اسامی محلات مذکور چنین است :

- |                           |                             |
|---------------------------|-----------------------------|
| ۱- محله قهندز (کهن دژ) ۲۱ | ۲- محله سعیدبن الصباح ۲۲    |
| ۳- محله باغ سین ۲۳        | ۴- محله عمرآباد ۲۴          |
| ۵- محله دروان کوس ۲۵      | ۶- محله سرحوض ابی‌العنبر ۲۶ |
| ۷- محله میدان هانی ۲۷     | ۸- سلمه العنبری ۲۸          |
| ۹- محله باب‌الدیر ۲۹      | ۱۰- محله ابی‌الاسود ۳۰      |
| ۱۱- محله قصرالجند ۳۱      |                             |

بنا بر موارد معروض محلات شهر نیشابور بشرح ذیل بوده است .

- ۱- آنچه الحاکم در صفحه ۱۲۳ تا ۱۲۴ تاریخ ذکر کرده باضافه دومحله «سرواقه» و «کرمانیان» چهل و نه محله .
- ۲- یازده محله دیگر که الحاکم ضمن فهرست اعلام نیشابور مسکن بعضی از اعلام را در آنجا ذکر کرده است .

- |                             |                              |
|-----------------------------|------------------------------|
| ۲۱- ص ۳۶ س ۸ تاریخ الحاکم   | ۲۲- ص ۲۳ سطر ۲۰ تاریخ الحاکم |
| ۲۳- ص ۵۲ سطر ۸ تاریخ الحاکم | ۲۴- ص ۵۲ سطر ۸ تاریخ الحاکم  |
| ۲۵- ص ۶۵ سطر ۵ تاریخ الحاکم | ۲۶- ص ۶۶ س ۶ تاریخ الحاکم    |
| ۲۷- ص ۸۸ س ۱۵ تاریخ الحاکم  | ۲۸- ص ۱۰۹ س ۴ تاریخ الحاکم   |
| ۲۹- ص ۶۶ سطر ۶ تاریخ الحاکم | ۳۰- ص ۳۹ س ۵ تاریخ الحاکم    |
| ۳۱- ص ۲۳ س ۱۱ تاریخ الحاکم  |                              |

۳- محلاتی که در «معجم البلدان» و «مرصداالاطلاع» است و تاریخ نیشابور اسامی محلات مذکور را ندارد و از ده محله لذا جمع محلات معروض در صفحات این وجیزه بهفتاد و دو محله بالغ می‌گردد و این تعداد محلات تا اندازه‌ای وسعت و بزرگی شهر نیشابور قدیم را در نظر خوانندگان عظام مجسم می‌سازد.

#### دروازه‌های نیشابور

شهر نیشابور در قسمت قهندز آن، دو دروازه، و در شهر، چهار دروازه بنام دروازه پل و دروازه معقل و دروازه قهندز و دروازه پل تکین داشته‌است. در قرن چهارم هجری شهر نیشابور شهری بزرگ و آباد بوده و عرصه منازل شهر را یکفرسنگ در یکفرسنگ نوشته‌اند و مسجدی در خود شهر از آثار عمرو لیث صفاری در مقابل میدان لشکرگاه داشته‌است. بازار شهر نیشابور در حومه آن وقوع داشته و دروازه‌های متعددی در آبادی حومه شهر بنام دروازه قباب (گنبدان) ذکر شده که بطرف غرب مفتوح میشده و مقابل آن دروازه جنگ و در طرف مشرق روبروی ولایت پشت فروش وقوع داشته‌است.<sup>۳۲</sup> در سمت جنوب نیشابور دروازه احوص آباد واقع بوده‌است<sup>۳۳</sup> و دروازه‌های دیگری بنام باب معمر<sup>۳۴</sup> و باب ابی‌الاسود<sup>۳۵</sup> و باب عروه<sup>۳۶</sup> و باب الدیر<sup>۳۷</sup> و باب الری<sup>۳۸</sup> در مورد دروازه‌های نیشابور در تاریخ ابو عبدالله الحاکم ضبط شده و

۳۲- پشت فروش را اکنون پیش فروش می‌گویند و این آبادی از موقوفات آستان

قدس رضوی است که در مغرب قریه قدمگاه نیشابور واقع است.

- |                              |                             |
|------------------------------|-----------------------------|
| ۳۳- ص ۴۱۰ جغرافیای لسترنج .  | ۳۴- ص ۳۳، س ۶ تاریخ الحاکم  |
| ۳۵- ص ۳۹، س ۴ تاریخ الحاکم . | ۳۶- ص ۴۵، س ۱۱ تاریخ الحاکم |
| ۳۷- ص ۶۶، س ۶ تاریخ الحاکم   | ۳۸- ص ۲۷، س ۹ تاریخ الحاکم  |

دروازه شوخان<sup>۳۹</sup> و در زکیه<sup>۴۰</sup> در کتاب «اسرار التوحید فی مقامات شیخ ابی السعید» بمناسبتی ذکر آن رفته است و نیز دروازه‌های باب‌عسکر و باب عقیل و باب معاذ در کتاب الحاکم نوشته شده و تمام دروازه‌های نیشابور که در کتب مختلفه اسمی از آنها برده شده به هفده دروازه بالغ می‌گردد.

#### بازارهای نیشابور

بازار بزرگ شهر نیشابور موسوم بیازار چهارسوی بزرگ بوده و بازار دیگری بنام چهارسوی کوچک داشته که یکی از این دو چهارسو را چهارسوی کرمانیان می‌گفته‌اند<sup>۴۱</sup> و بازارهای دیگری این دو بازار را عموداً قطع می‌کرده. و بازار بزرگ از شمال بدروازه سرپل و از جنوب بگورستان حسین امتداد داشته است و شاید نام دیگر آن بازار حیره بوده باشد و در این بازارها تیم‌ها و تیمچه‌ها و سراهائی برای اصناف مختلفه وجود داشته که هر صنفی در محلی جدا از دیگران جای مخصوصی را داشته و کفشان و نازان و خرازی‌فروشان و آهنگران هر یک سرائی خاص بخود در اختیارشان بوده است<sup>۴۲</sup>.

#### آبهای نیشابور

در داخل منازل شهر نیشابور قنواتی بعمق صد پله و بیشتر و کمتر عبور می‌کرده که اهالی در قنوات داخل شهر پایاب و سردابه داشته‌اند و آب رودخانه بشتنقان (پستنگان) شاید (پوشنگان) که اکنون معرب آن فوشنجان که در دو فرسنگی شهر فعلی نیشابور وقوع دارد) عرصه منازل و باغات شهر را سیرآب می‌کرده است و برای نظم در آبیاری محلات، مأمورینی مراقب نظم و ترتیب آبیاری بوده‌اند.

۳۹- ص ۱۲۰، س ۳۱، کتاب اسرار التوحید، چاپ تهران.

۴۰- ص ۱۹۶، س ۴ اسرار التوحید چاپ تهران.

۴۱- ص ۵۶، کتاب اسرار التوحید. ۴۲- ص ۴۱۰ جغرافیای تاریخی لسترنج

شهر نیشابور از بلاد معتدله و بسیار خوش آب و هواست و مخصوصاً بین الطلوعین نیشابور صفای خاصی باین شهر می‌بخشد.

ابن حوقل صاحب «مسالك و ممالك» مینویسد در خراسان شهری خوش آب و هوا و آبادتر از نیشابور نبوده‌است بازرگانان شهر، ثروتمند و هر روز کاروانهائی باین شهر وارد میشده و انبارهای شهر را بانواع امتعه مملو می‌ساخته‌اند.

پارچه‌های ابریشمی و نخی شهر نیشابور را بنواحی دیگر برای تجارت حمل میکرده‌اند.<sup>۴۳</sup>

#### کوچه‌های نیشابور

شهر نیشابور مشحون بمحلات و کوچه‌های بسیار بوده‌است، نام کوچه‌ها را در کتابی ندیده‌ام ولیکن ابو عبد الله الحاکم ضمن ذکر اعلام نیشابور کوچه‌هائی را در مورد مسکن اعلام کتاب نام میبرد که ذیلآ آنچه بنظر رسیده قلمداد می‌گردد.

- ۱- کوچه یعقوب الوراق (یعقوب بن معقل) که در محله زمجار بوده.<sup>۴۴</sup>
- ۲- کوچه خندق.<sup>۴۵</sup>
- ۳- کوچه حذام در باب عروه.<sup>۴۶</sup>
- ۴- کوچه سکس.<sup>۴۷</sup>
- ۵- کوچه حمدان.<sup>۴۸</sup>
- ۶- کوچه عباس بن حمزة الواعظ.<sup>۴۹</sup>
- ۷- کوچه عاصم.<sup>۵۰</sup>
- ۸- کوچه حرب.<sup>۵۱</sup>

۴۳- ص ۴۱۱ جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی لسترنج

۴۴- ص ۶۰ س ۲۱ تاریخ الحاکم

۴۵- ص ۶۲ س ۷ تاریخ الحاکم.

۴۶- ص ۶۳ س ۱۶ تاریخ الحاکم

۴۷- ص ۶۵ س ۱۸ تاریخ الحاکم.

۴۸- ص ۶۶ سطر ۱۰ تاریخ الحاکم

۴۹- ص ۵۰ س ۴ همان کتاب

۵۰- ص ۶۹ س ۲۰ تاریخ الحاکم

۵۱- ص ۶۹ س ۲۰ تاریخ الحاکم

- ۹- کوچه ابی‌ذر که در باب معمروقوع داشته<sup>۵۲</sup> .
- ۱۰- کوچه رشنه که در باب معاذ بوده<sup>۵۳</sup> .
- ۱۱- کوچه باذان<sup>۵۴</sup> . ۱۲- کوچه عمار<sup>۵۵</sup> .
- ۱۳- کوچه زنجویه در چهارسوی کوچک<sup>۵۶</sup> .
- ۱۴- کوچه طرخان<sup>۵۷</sup> .
- ۱۵- کوچه ادلی (شاید اولی) در محله باغ‌الزارس<sup>۵۸</sup> .
- ۱۶- کوچه امام یحیی بن محمد یحیی<sup>۵۹</sup> .
- ۱۷- کوچه معقل<sup>۶۰</sup> . ۱۸- کوچه یحیی‌الذهلی<sup>۶۱</sup> .
- ۱۹- کوچه صرامین<sup>۶۲</sup> . ۲۰- کوچه معن‌آباد<sup>۶۳</sup> .
- ۲۱- کوچه عباس‌آباد (پلاس‌آباد)<sup>۶۴</sup> .
- در کتاب «اسرارالتوحید» و «مراصد الاطلاع» و «معجم البلدان»  
کوچه‌های دیگری ذکر شده که ذیلاً نوشته میشود .
- ۲۲- کوچه خالد<sup>۶۵</sup> .
- ۲۳- کوچه خرچوش معرب خرگوش<sup>۶۶</sup> .

- |                                  |                              |
|----------------------------------|------------------------------|
| ۵۲- ص ۷۰، س ۶ .                  | ۵۳- ص ۷۲، س ۶ .              |
| ۵۴- ص ۲۵، س ۲۰ .                 | ۵۵- ص ۲۶، س ۲ تاریخ‌الحاکم . |
| ۵۶- ص ۲۷، سطر بیستم تاریخ‌الحاکم | ۵۷- ص ۳۱، سطر ۶ تاریخ‌الحاکم |
| ۵۸- ص ۳۱، س ۱۴ تاریخ‌الحاکم      | ۵۹- ص ۳۸، س ۷ تاریخ‌الحاکم . |
| ۶۰- ص ۴۶، سطر اول                | ۶۱- ص ۳۸، س ۷ .              |
| ۶۲- ص ۱۶، سطر بیستم              | ۶۳- ص ۲۷، سطر ۱۵ .           |
| ۶۴- ص ۱۲۲ تاریخ‌الحاکم           | ۶۵- ص ۱۴۶ مراصدالاطلاع       |
| ۶۶- ص ۱۵۱ مراصدالاطلاع           |                              |

۲۴- کوچه معاذ<sup>۶۷</sup> . ۲۵- کوچه حجاب<sup>۶۸</sup> .

۲۶- کوچه عدنی کوبان<sup>۶۹</sup> .

آتشکده و کلیسا و کنشت نیشابور

در نیشابور بنای کلیسای مسیحیان و کنشت یهودیان در قرون اولیه اسلام هنوز باقی بوده است<sup>۷۰</sup> .

و بطوری که سبق ذکر یافت آتشکده زردشتیان در کوچه آتشکده نیشابور واقع بوده است<sup>۷۱</sup> .

کاروانسراهای نیشابور

شهر نیشابور، متناسب با جمعیت زیاد خود تجارت مفصلی داشته و بدیهی است برای محل کار تجار، کاروانسراهای متعددی ساخته شده بوده و بعضی از کاروانسراها محل ترول کاروانهای تجار و مسافران باین شهر بوده که در آنجا سکونت موقت داشته‌اند. و نام تمام این قبیل ابنیه درجائی ضبط نشده مع الوصف آنچه از اسامی کاروانسراها بنظر رسیده در ذیل نوشته میشود :

۱- کاروانسرای عربکه در ملقباد<sup>۷۲</sup> .

۲- کاروانسرای سعیدبن الصباح<sup>۷۳</sup> .

۳- کاروانسرای دستی شاید عرب دشتی (مزرعه دشت در دو فرسنگی نیشابور کنونی وقوع دارد)<sup>۷۴</sup> .

۴- کاروانسرای بوی آباد که محل ورود ابو مسلم مروزی بوده است<sup>۷۵</sup> .

۶۷- ص ۳۷۵ مرصداطلاع ۶۸- ص ۹۴، جلد دوم معجم البلدان

۶۹- ص ۴۷ اسرار التوحید چاپ بهمنیار ۷۰- ص ۷۶ و ۱۰۶ اسرار التوحید

۷۱- ص ۴۱ س ۱۲ تاریخ نیشابور ۷۲- ص ۱۷ س ۴ تاریخ الحاکم

۷۳- ص ۲۳ س ۲۰ تاریخ الحاکم ۷۴- ص ۲۸ س ۵ تاریخ الحاکم

۷۵- ص ۱۲۲ س ۱۲ تاریخ الحاکم

- ۵- کاروانسرای میکالیان<sup>۷۶</sup> . ۶- کاروانسرای رخس<sup>۷۷</sup> .  
اسامی بقیه کاروانسراهای نیشابور را درجائی ندیدم .

### گورستان‌های نیشابور

گورستانهای شهر نیشابور در داخل شهر واقع بوده و چنین بنظر میرسد که غالب محلات بزرگ نیشابور گورستانی داشته و نام گورستانهایی که در کتاب «تاریخ ابوعبدالله الحاکم» ضمن حالات و نام بزرگان نیشابور ذکر شده چنین است :

- ۱- گورستان حیره که آن را گورستان نصر بن زیاد القاضی گفتندی<sup>۷۸</sup> .
- ۲- گورستان باغک<sup>۷۹</sup> .
- ۳- گورستان جنیداله (شاید جندالله یعنی لشکر خدا باشد) .
- ۴- گورستان مصلی<sup>۸۰</sup> . ۵- گورستان علویه<sup>۸۱</sup> .
- ۶- گورستان باب معمر که قبر احمد بن حرب و یحیی بن معاذ و بسیاری از علماء در آنجا بوده است<sup>۸۳</sup> . ۷- گورستان شادیباخ<sup>۸۳</sup> .
- ۸- گورستان تلاجرد که مرقد امامزاده محمد بن محمد بن زید بن علی بن الحسین علیه السلام در آنجا بوده و اکنون بر مرقد امامزاده بنائی از عهد صفویه پابرجاست<sup>۸۴</sup> .
- ۹- گورستان شاهنبر که بسیاری از علماء آنجا مدفونند<sup>۸۵</sup> .

- |                                |                              |
|--------------------------------|------------------------------|
| ۷۶- ص ۲۳۱ ، س ۱۵ اسرار التوحید | ۷۷- ص ۱۸۸ مرصداطلاع .        |
| ۷۸- صفحه ۷۰، س ۱۱ تاریخ الحاکم | ۷۹- ص ۷۸ سطر ۱۷ تاریخ الحاکم |
| ۸۰- ص ۹۶ س ۴ تاریخ الحاکم      | ۸۱- ص ۹۹، س ۳                |
| ۸۲- ص ۹۹، س ۸                  | ۸۳- ص ۳۳، س ۷                |
| ۸۴- ص ۲۹، س ۱۱                 | ۸۵- ص ۱۴۴، سطر بیستم .       |

- ۱۰- گورستان فز معرب بوژ<sup>۸۶</sup>.
- ۱۱- گورستان باب عروه قبر حسن بن معاذ و حسین بن الولید القرشی و حفص بن عبدالرحمن و بسیاری دیگر، در آنجا بوده است<sup>۸۷</sup>.
- ۱۲- گورستان عبدالله طاهر که احفاد و عشیره او و سادات علویه در آنجا است<sup>۸۸</sup>.
- ۱۳- گورستان جل آباد (گل آباد) که اولیاء کبار و علماء در آنجا آسوده اند<sup>۸۹</sup>.
- ۱۴- گورستان میدان زیاد<sup>۹۰</sup>
- ۱۵- گورستان حسین بن المعاذ<sup>۹۱</sup>
- ۱۶- گورستان ابوعلی الثقفی<sup>۹۲</sup>.
- احتمال میرود که گورستانهای بیشتری در داخل نیشابور وجود داشته ولیکن آنچه بمناسبتی ضمن نام بزرگان نیشابور ذکر شده بشرحی است که معروض گردید.

## مدارس نیشابور

در شهر نیشابور مدارس بسیاری در چهار قرن ابتدای اسلام برای طالبان علوم دینی ساخته شده بوده است و حافظ ابرو در کتاب تاریخ خود (مؤلفه در ابتدای قرن نهم هجری) نگاشته که نیشابور دارای هشت مدرسه منسوب بخلفاء و هفده مدرسه برای اصحاب شافعی بوده<sup>۹۳</sup> و یکی از مدارس مهم نیشابور مدرسه نظامیه از ابنیه خواجه نظام الملک طوسی بوده است و خواجه مذکور در بغداد و

۸۶- ص ۱۴۵، س ۳

۸۷- ص ۱۴۵، س ۶

۸۸- ص ۱۴۵، س ۶

۸۹- ص ۱۴۵، س ۶

۹۰- ص ۲۰، س ۴

۹۱- ص ۴۰، س ۸

۹۲- ص ۹۲، س چهار

۹۳- ص ۲ تاریخ نیشابور آقای مؤید ثابتی

بصره و اصفهان و بلخ و مرو و هرات نیز نظامیه برای طلبه علوم دینی ساخته بوده که شیخ سعدی علیه‌الرحمه مدتی در «نظامیه بغداد» تلمذ می‌کرده است و با توجه به اطلاعات فوق، فقط اسم چهار مدرسه از اسامی مدارس نیشابور بدست است که ذیلاً نگاشته میشود: <sup>۹۴</sup>

- ۱- مدرسه ابواسحق ابراهیم بن سیمجور واقع در باغ دارس نیشابور .
- ۲- مدرسه میان دیه که بانی آن ابواسحق ابراهیم بن محمود بن حمزه الفقیه الحاکم معروف به قطان بوده است <sup>۹۵</sup> .
- ۳- مدرسه سراجان <sup>۹۶</sup> .
- ۴- مدرسه صابونی <sup>۹۷</sup> و نام بقیه مدارس نیشابور را تاکنون در کتابی ندیدم .

#### مساجد نیشابور

در شهر نیشابور مساجد بسیاری بنیان‌گرفته بوده است که اولین مسجد را عبدالله بن عامر دائی‌زاده عثمان بن عفان پس از خراب کردن آتشکده قهندز نیشابور در زمین آتشکده ساخته و این مسجد مناره نداشته است <sup>۹۸</sup> و یزید بن مهلب چون در نیشابور حاکم شد مناره مسجد قهندز را بنا نهاد .

مسجد جامع نیشابور را ابو مسلم مروزی صاحب‌الدعوه بنا کرده و سی جریب مساحت زمین مسجد بوده و هزارستون (پایه) برای نگهداری سقف مسجد تعبیه شده بوده و در یکنوبت شصت هزار نفر می‌توانسته‌اند در مسجد جامع اداء

۹۴- ص ۶۴، س ۲ تاریخ الحاکم ۹۵- ص ۴۰، س ۱۱ تاریخ الحاکم .

۹۶- ص ۹۶، س ۸ کتاب اسرار التوحید

۹۷- ص ۲۹، س ۲۳ جلد چهارم روضة الصفا چاپ کتابخانه خیام تهران

۹۸- ص ۱۴۱، س ۱۳ تاریخ الحاکم .

فریضه نمایند .

در جامع نیشابور، آب جاری و حوضها برای وضوگرفتن نمازگزاران موجود بوده و در وسط مسجد یخدانی ساخته بوده‌اند که در زمستان از برف انباشته میشده و در تابستان بیماران و سایر مردم از برف یخدان مستفید می‌گردیده‌اند .

در فضای مسجد اشجار ناژو (کاژ - کاج) و درخت‌توت کاشته بوده‌اند و صدنفر خادم برای مراقبت درتنظیف و تطهیر و انتظامات مسجد موظف بوده و اوقاف مسجد در حدود صد هزار مثقال زر ارزش داشته‌است .

در مسجد جامع، بنای دیگری دارای ۱۲ ستون بوده که شش ستون آن سنگ مرمر و ۲ ستون از چوب اشجارکنار دجله و چهار ستون دیگر را با خشت پخته و گچ بنا نهاده بوده‌اند .

و این بنا قبه و گنبدی مذهب داشته مقومان، زرر قبه‌را بیست هزار مثقال تقدیر می‌کرده‌اند و در حدود صد هزار مثقال زر ارزش منابر و صندوقها و قندیلها و فرش و سایر لوازم مسجد را تخمین می‌زدند .

#### مناره جامع نیشابور

مسجد جامع ابو مسلم مناری داشته که بعضی آنرا کوتاه می‌گفته‌اند و چون نوبت حکومت نیشابور به منصور بن طلحه بن طاهر برادرزاده عبدالله بن طاهر رسید منار مسجد را خراب کرد و مناری قوی‌تر و بلندتر برافراخت و عمارت منار را بزینت و تذهیب آراسته کرد و بطریق هندسه چنان کردند که در دوره سال ، از سایه منار انتقال شب و روز معلوم شدی (شاید از این مناره استفاده ساعت آفتابی می‌کرده‌اند) و چون نوبت حکومت به عمرو لیث صفاری رسید مناره را برانداخت و منار دیگری ساخت و نام و لقب خود را بر مناره نگاشت و چون نوبت حکومت به خمارتکین رسید مناری ساخت بطوری که در دنیای آن روز عجیب‌تر و بلندتر

و آراسته‌تر و پیراسته و دایرتر از آن در هیچ شهری نبود و بهندسه چنان کردند که چون باد آمد فراخورر قوه باد، آن مناره حرکت کردی اما نیفتادی و هیچ خشتی و جزئی از وی فاسد نشدی<sup>۹۹</sup> (ظاهراً هردو منار جنبان بوده‌است).

پس از اینکه ابو عبد الله الحاکم نام مسجد عبد الله بن عامر و جامع ابو مسلم را ذکر کرده نام مساجد دیگری را بشرح ذیل قلمداد می‌کند:

۱- مسجدی که صحابه در وقت فتح نیشابور در محله شاهنبر بنا کرده و در آنجا نماز گزارده‌اند.

۲- مسجد محله فز که جوار منزل حضرت رضا علیه السلام بوده و چند روزی در نیشابور حضرت در آن نماز گزارده‌اند.

۳- مسجد معروف به مسجد روی بکوه که مسجدی قدیم و عزیز بوده‌است.

۴- مسجد دروازه معمر که در میان دو گورستان واقع بوده.

۵- مسجد رجاء بن معاذ بن مسلم.

۶- مسجدی که مصلاهی جنبان گفتند.

۷- مسجد دروازه قهندز که پیش از نه ماه صحابه در آنجا عبادت کرده‌اند.

۸- مسجد سرای معاذ.

۹- مسجد امام یحیی متصل بسرای بستان.

۱۰- مسجد ابن حرب. ۱۱- مسجد ایوب بن الحسن.

۱۲- مسجد حمش (لغت دیگر محمد) بشیوه نیشابوریان قدیم<sup>۱۰۰</sup>

مساجد نامبرده فوق را ابو عبد الله الحاکم در آخر کتاب «تاریخ نیشابور» ذکر کرده و در همان کتاب ضمن ذکر بزرگان نیشابور، نام مساجد دیگری را

۹۹- ص ۱۴۳ و ۱۴۴ ترجمه تاریخ الحاکم با تغییر مختصری در عبارات.

۱۰۰- ص ۱۴۳ ترجمه تاریخ نیشابور الحاکم.

بمناسبتی ذکر کرده که از صفحات مختلف کتاب الحاکم نام مساجد دیگر را فراهم کرده و ذیلاً می‌نگارم .

- ۱۳- مسجد ابو عبدالله المطوعی (صفحه ۲۲ سطر ۱۱ همان تاریخ) .
- ۱۴- مسجد احمد بن حاج ابوالقاسم (صفحه ۱۹، سطر ۵ تاریخ مذکور) .
- ۱۵- مسجد منیع یا منیعی (صفحه ۳۳ تاریخ نیشابوری مؤید ثابتی) .
- ۱۶- مسجد محمد بن عقیل که در سرکچه حرب وقوع داشته (صفحه ۱۵ سطر ۱۴، تاریخ الحاکم) .
- ۱۷- مسجد اصرم بن غیاث که در محله «زمجار» واقع بوده (صفحه ۱۵، سطر ۱۴ تاریخ الحاکم) .
- ۱۸- مسجد عتیق در محله ملقباد (صفحه ۶ سطر ۲۱، تاریخ الحاکم) .
- ۱۹- مسجد میان‌دیه که بانی آن ابواسحق الحاکم معروف بقطان بوده ، (صفحه ۴۰، سطر ۱۱ تاریخ الحاکم) .
- ۲۰- مصلاهی واقع در محله حیره (صفحه ۴۳، سطر ۱۹، تاریخ الحاکم) .
- ۲۱- مسجد عبیدالله بن ابراهیم بن بالویه در کوچه معقل (صفحه ۶۸، سطر ۸، تاریخ الحاکم) .
- ۲۲- مسجد کسلان واقع در محله کسلان (صفحه ۱۲۳، سطر ۶ تاریخ الحاکم) .
- ۲۳- مسجد دیز که صحابه ساخته بوده‌اند (صفحه ۱۲۳، سطر ۱۰، تاریخ الحاکم) .
- ۲۴- مسجد مطرز که اهم مساجد نیشابور بوده است<sup>۱۰۱</sup> .
- ۲۵- مسجد عقلا یا معقل<sup>۱۰۲</sup> .

۱۰۱- ص ۹۰، سطر اول اسرار التوحید.

۱۰۲- ص ۲ تاریخ نیشابور آقای مؤید ثابتی

این بود اسامی مساجدی که ابو عبدالله الحاکم بمناسبتی نام آنها را در کتاب خود نوشته و یا در «اسرار التوحید» ضمن حالات ابوسعید ابوالخیر ذکر شده است.

### کتابخانه‌های نیشابور

در مساجد نیشابور و در مدارس آنجا، کتابخانه‌هایی بوده که ظاهراً تمام یا غالب آب کتب در حمله طوایف ترکمانان غز و در سانحه فجیعۀ مغول، از بین رفته‌است و در مسجد عقلا پنجهزار جلد کتاب موجود بوده‌است و بنقل تاریخ حافظ ابرو شهر نیشابور در حدود سیزده یا چهارده کتابخانه برای استفاده عموم داشته که بعضی سوخته و برخی را غارت کرده‌اند.<sup>۱۰۳</sup>

و از عجایب روزگار این‌است که یکی از کتب غارت‌شده مسجد منیعی نیشابور بنام کتاب ابانه یا کتاب الصناعتین در علم فصاحت و بلاغت تألیف ابوهلال حسن بن عبدالله بن سهل عسکری در کتابخانه آستان قدس رضوی اکنون باقی و موجود است و احمد بن حامد نامی در پشت کتاب مذکور فتنه غزو غارت دار الکتب مسجد منیعی نیشابور را نوشته و ذکر کرده که کتاب را عبدالجلیل وقف کرده و اقرار نموده که کتاب از او نیست و بیع و شری در این کتاب جایز نمی‌باشد و بعداً معلوم نیست بوسیله چه کسی کتاب مذکور بکتابخانه آستان قدس رضوی تسلیم گردیده‌است تاریخ تحریر کتاب سال ۳۹۴ هجری قمری است و نزدیک بهزار سال این کتاب عمر دارد و این بنده آن را دیده‌ام.

### عظمت نیشابور

با توجه بنام محلات و مساجد و مدارس و گورستانها و بازارها و کوچه‌ها و دروازه‌های شهر نیشابور چنین بنظر میرسد که خوانندگان عظام عنایت میفرمایند که نیشابور شهری بزرگ و بسیار آباد بوده‌است و حتی قبل از اسلام

موقعیت بسیار ممتازی داشته و یکی از شهرهای بزرگ خراسان بشمار می‌رفته است و با اینکه بنای شهر را به شاپور فرزند اردشیر نسبت می‌دهند در کشفیات که در خرابه‌های شهر قدیم نیشابور تاکنون بعمل آمده واضح گردیده است که شهر نیشابور قدمت بسیار زیادتری دارد و در اکتشافات اخیر واضح شده که این شهر دارای چندین نوبت آبادی و خرابی است، و برای تعیین قدمت واقعی این شهر هنوز مطالعات باستان‌شناسی خاتمه نیافته و با ادامه اکتشافات مذکور شاید در سالهای بعد روشن گردد که نیشابور تا چه اندازه سابقه آبادی و قدمت دارد.

#### ورود مسلمین به نیشابور

در هر حال نیشابور موصوف، در سال ۱۷ یا ۲۳ قمری در عهد عمر بن الخطاب بدست احنف بن قیس بتصرف مسلمین درآمده و ماهویه که از طرف یزدگرد ساسانی حاکم نیشابور بوده فرار کرده و خراسان را بدون جنگ و نزاع، مسلمین متصرف شده‌اند. و در عهد عثمان بن عفان حکومت خراسان به عبدالله بن عامر دائی زاده خلیفه وقت مفوض شده و نامبرده با عده زیادی از صحابه و تابعین برای ترویج دین اسلام به نیشابور آمده و مردم غیر مسلمان نیشابور اعم از زردشتی و یهود و مسیحی قبول پرداخت جزیه کرده‌اند.

در موقع حکومت عبدالله بن عامر در قهندز نیشابور آتشکده بزرگی بوده و در بخش‌های اطراف شهر نیشابور نیز آتشکده‌های دیگر وجود داشته است. از آتشکده‌های اطراف نیشابور دو آتشکده تاکنون باقی است که یکی در جلگه رخ و دیگری در بلوک عشق آباد نیشابور وقوع دارد و در این مورد توضیحات لازم را در کتاب «آثار باستانی خراسان» معروض خواهم داشت. عبدالله بن عامر بمجرد ورود به نیشابور آتشکده کهن دژ (قهندز) را خراب کرد و بجای آن مسجدی بنیان گذارد و این مسجد اولین مسجد نیمه اول قرن یکم هجری قمری نیشابور است.

مردم نیشابور که پرداخت جزیه را قبول کرده بودند بر خراب کردن آتشکده قهقندز معترض شده و عبدالله عامر محل دورتری را در شهر نیشابور برای آتشکده معین کرد و باین جهت قسمتی از شهر نیشابور را کوچه آتشکده می‌گفته‌اند<sup>۱۰۴</sup>. مهاجرین به نیشابور از صحابه و تابعین که از حجاز و جاهای دیگر به نیشابور آمده بودند از نظر وسعت و زیادی سکنه و از حیث تجارت نیشابور را مهم‌ترین شهر خراسان یافتند و هوای معتدل و فراوانی ارزاق و انواع میوه‌ها و سایر امتیازات نیشابور دامن گیر آنها شده و سکونت در این شهر را بسیار بمورد دانستند و بعلاوه از مفاد بعضی اخبار و احادیث شنیده بودند که نیشابور بهترین جای خراسان است و باین جهت رغبت بیشتری در سکونت این شهر برای مسلمین در صدر اسلام پیدا شد.

#### بهترین جای خراسان نیشابور است

در ترجمه تاریخ نیشابور ابو عبدالله الحاکم ذکر شده که ابن جریج (از کبار تابعین) فرموده که بهترین جای خراسان نیشابور است. پرسیدند برأی خود فرمودید گفت بل شنیده‌ام از حدیث و این حدیث مروی از ابن مخارق از پیغمبر اسلام است: قال: خیر خراسان نیشابور.

و نیز روایت است از ابراهیم بن طهمان که از کبار تابعین است که خیر خراسان نیشابور است. و عبدالله مؤذن نیشابوری گفت که حضرت خواجه (پیغمبر) را صلوات الله و سلامه علیه بخواب دیدم فرمودند: من این انت؟ از کجائی تو؟ گفتم از نسابور فرمودند: نعم البلد نسابور: نیک شهر است نسابور<sup>۱۰۵</sup>

#### ابتدای تعلیم قرآن

اول کسی که در نیشابور قرآن را تعلیم داد یحیی بن صبیح معلم قرآنست و

۱۰۴- ص ۱۴۲ ترجمه تاریخ نیشابور ابو عبدالله الحاکم چاپ تهران.

۱۰۵- ص ۷ ترجمه تاریخ نیشابور ابو عبدالله الحاکم.

مسجد یحیی بن صبیح بر در کاروانسرای عربکه بوده است و نیز ابوزکریا بن عبدالرحمن تمیمی معلم قرآن است در نسابور متولد شده و اولاد او در معیره مدفونند<sup>۱۰۶</sup>. مهاجرین به نیشابور از صحابه و تابعین که در دین اسلام واحکام آن بینائی حاصل کرده بودند، در شهر نیشابور بترویج اسلام همت گماشته وبا بیانات مؤثر خود تدریجاً زردشتیان وسایر مردم نیشابور را بقبول اسلام راغب می ساختند و درواقع رواج دین رادرخراسان صحابه و تابعین بنیان گذاری کردند و نیات مروجین اسلام رفته رفته بقدری در نیشابور بسط یافت که نیشابور مرکز علمی و دینی اسلام گردید.

وفور علماء و دانشمندان و ادباء و مفسرین و متکلمین و شعراء و فقهاء و لغویین و نحویین و ریاضیین نیز شهر نیشابور را معروف و مشهور آفاق ساخت.

#### اعلام نیشابور

در ظرف چهار قرن ابتدای اسلام تعداد اعلام نیشابور به دوهزار وششصد وهشتاد و پنج نفر بالغ گردیده که از این عده یکهزارو هشتصد و شش نفر مربوط بشهر نیشابور و هشتصد و هفتادونه نفر دیگر از هفتادوهفت بلد اسلامی که اسامی آن شهرها قریباً قلمداد می گردد به نیشابور آمده و به تحصیل علوم دینی پرداخته و جزو اعلام نیشابور شده ودر همین شهر جان بجان آفرین تسلیم کرده اند.

#### مقایسه شهر بغداد با شهر نیشابور

شهر بغداد که مرکز علمی ودینی قرون بعدی اسلام است درسال ۱۴۵ قمری بنای حصار شهر شروع گردیده و در سال ۱۴۹ قمری خاتمه یافته است و با توجه باینکه تا بغداد مرکز توقف علمای روز و دانشمندان وقت قرار گیرد مدتی را که اقلأً پنجاه سال حدس زده میشود ضرورت خواهدداشت، لذا روشن میشود

که شهر بغداد در دو قرن ابتدای اسلام از نظر علمی و دینی اهمیتی پیدا نکرده بود و در قرون بعد مشحون با افراد علمی شده است و با اینکه بغداد پایتخت خلفای عباسی بوده و برای پیشرفت علوم مختلفه تسهیلات زیاد وجود داشته است مع الوصف باپیدایش مرکز علمی بغداد شهر نیشابور که سابقه علمی قدیم تری داشته در قرون بعد با بغداد هم رتبه بوده و موقعیت علمی و دینی خود را کاملاً محفوظ داشته است و با مراجعه بتواریخ قرون اولیه اسلام، هیچ شهری مانند نیشابور در بلاد اسلامی از شرق تا غرب وجود نداشته و بکوتاهی سخن میتوان گفت که اهمیت علمی نیشابور در ترویج دین اسلام و بسط علوم مختلفه آن مانند نداشته است و چون نیشابور جزو خراسان است بعبارت دیگر میتوان گفت که خراسان در ترویج دین اسلام و تألیف کتب دینی و پیشرفت علوم متداوله وقت، بر تمام ممالک اسلامی تفوق داشته و علمدار نشر احادیث و احکام قرآن و بسط علوم دینی در روی زمین بوده است.

اکنون برای مزید توضیح و تبیین مراتب فوق، نام بعضی از صحابه و تابعین و اتباع التابعین، و نام افرادی که از شهرهای دیگر برای کسب علوم به نیشابور هجرت کرده و ساکن و جزو اعلام آنجا شده اند ذیلاً می نگاریم تا شناسائی بیشتری در اهمیت شهر نیشابور که بدست لشگر خونخوار مغول بکلی خراب و تسطیح شده و در روی خرابه های این شهر عزیز زراعت کرده اند، حاصل شود.

#### صحابه مهاجر به نیشابور

یکی از صحابه حکم بن عمرو الغفاری است که عامل مال خراسان بوده، صحابی دیگر عطیه بن عمرو الغفاری برادر حکم بوده.

صحابی دیگر عبدالله ابوزره اسلمی است که ساکن مدینه بوده و روایت است که به نیشابور فوت شد.

صحابی دیگر عامر بن سلیم الاسلمی است و میگویند او صاحب علم خواجه

ما صلوة الله و سلامه عليه بود بنسابور فوت شد و نبیره او عمرویه گفت که جد من عامر بن سلیم وفات کرد و در نیشابور در گورستان ملقباد دفن شد. صحابی دیگر، عثمان بن ابی العباس الثقفی است و او از کبار صحابه بود. صحابی دیگر، مهلب بن ابی صفوه (ابی صفره) . صحابی دیگر، قیس بن ابی ودیعة الانصاری از آن جماعت بود که با عبد الله بن عامر بخراسان آمد .

صحابی دیگر محتقر بن اوس با حضرت صلوة الله عليه صحبت داشته . صحابی دیگر، قاسم بن عباس بن عبدالمطلب (پسر عم حضرت پیغمبر) با لشکر اسلام بغزا بخراسان آمد و با امیر المؤمنین حسن برادر رضاعی بود او به سمرقند فوت شد و او را به حضرت صلوة الله و سلامه عليه مانند می گفتند. چون ۱۰۷ پسر عم بود .

صحابی دیگر، ابورفاعه تیم ابن اسد العدوی . صحابی دیگر عثمان بن حبیب از صحابه بود و با عبد الله بن عامر بخراسان آمد .

صحابی دیگر، همان (همام) بن زید از صحابه بود و با عبد الله بن عامر به نیشابور آمده و ساکن شد و او را در نیشابور اولاد و اعقاب بودند . صحابی دیگر، ابورشدين رفاعه و پسر او فریط هر دو بخراسان آمدند و ساکن شدند و ایشان را اولاد و اعقاب بود .

صحابی دیگر غالب بن عبد الله بن فضاله بن عبد الله صحابی بودی و حکومت خراسان وی را بود .

صحابی دیگر، عبد الرحمن سرقة بن حبیب ساکن بصره، شد برای غزای

سجستان، به نیشابور آمد، و در آبرشهر یعنی نیشابور ساکن شد و بعدها بمر و نقل کرد و آنجا وفات نمود و او را آنجا اولاد بودند.

صحابی دیگر، سعید بن حرث، بغزا با لشکر اسلام بخراسان آمد و اینجا فوت شد.

صحابی دیگر ابوبکر انصاری بمر و بود و آنجا فوت شد و اولاد داشت به قریه نسابور تره.

صحابی دیگر، الخخام از قوت بن ابی الاسود بود و ابوالاسود از ملازمان امیر المؤمنین علی علیه السلام بود و سه مقدمه علم نحو، از ایشان تعلیم گرفت، و علم نحو استنباط کرد و به خلیل بن احمد آموخت و خلیل به سیبویه آموخت و اقوام دیگر پس این علم منتشر شد و خخام را بمر و اولاد و آثار است. صحابی دیگر، عباس بن مرداس السلمی الشاعر با حضرت صلوات الله و سلامه علیه صحبت داشت، و او را در مرو فرزندان بودند.

صحابی دیگر، اقرج و ورقه پسران حابس تمیمی.

صحابی دیگر، اس بن ثعلبه التمیمی است که با سعید بن عثمان بن عفان به خراسان آمد.

صحابی دیگر، کعب بن عتیمه او را بمر و اولاد بود.

صحابی دیگر، عبدالله بن خازم سلمی والی نسابور از جانب عبدالله بن عامر و ساکن جوین شد و او را آنجا اولاد شدند.

صحابی دیگر، ابو عمرو انصاری در مرو<sup>۱۰۹</sup> در قریه بایشان، ساکن شد و او را اولاد بودند علماء و فقهاء.

صحابی دیگر، محمد مولی (غلام) حضرت خواجه ما صلوات الله و سلامه

۱۰۹- اسامی صحابه از صفحات ۱۱ و ۱۲ ترجمه تاریخ نیشابور ابو عبدالله الحاکم

علیه و از مرو بود و تجارت میکرد نام او ماناهیه بود مجوسی نمودی خود را ، ناگاه نام حضرت ما شنود صلوات الله و سلامه علیه هجرت کرد و بحضرت خواجه آمد اورا محمد نام نهادند ومولی حضرت شد و مسلمان بمرو مراجعت کرد و در مقابل در مسجد جامع مرو سرای او بود <sup>۱۰۹</sup> .

#### تابعین

تابعین افرادی بودند که مسلمان شده و حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله را ندیده ولیکن صحابه را دیده بودند . اکنون چند نفر از تابعین را ذیلاً قلمداد میکنیم :

- ۱- جعدة مخزومی که مادرش امهانی و خالش حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بود و علم از حضرت ایشان آموخت و حدیث از ایشان روایت داشت.
- ۲- ابوسعید جراب بن عبدالله التمیمی الحسن البصری الزاهد الفقیه الواعظ از تلامذه و تربیت یافته حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بود کما هو المشهور.
- ۳- ابوسلیمان النیسابوری علم حدیث از انس بن مالک استفاده کرد.
- ۴- سعید بن عثمان بن عفان بمدینه متولد شد و با لشکر اسلام بغزاء خراسان آمد و در آن لشکر صحابه و تابعین بودند و بنسب آور آمد، و لشکر بماوراءالنهر برد و بخارا و سمرقند فتح کرد .
- ۵- طلحة الطلحات با لشکر سعید بن عثمان بن عفان بود بنسب آور آمد .
- ۶- عبدالله صامت، و ابن صامت، پسر برادر ابی ذر غفاری بود .
- ۷- علقمة بن قیس النخعی از ملازمان و تلامذه حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام بود، علم از ایشان آموخت .
- ۸- عکرمه مولی عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب مدتی در نیشابور بود و فتوی داد <sup>۱۱۰</sup> .

۱۱۰- اسامی تابعین از ص ۱۳ و ۱۴ تاریخ ابوعبدالله الحاکم نقل شده .

- ۹- غیاث بن عبدالله از کبار اصحاب امیر المؤمنین علی علیه السلام بود .
- ۱۰- قتیبه بن مسلم، از علماء تابعین و والی خراسان بود .
- ۱۱- نصر بن عمر بن نافع مولی عبدالله بن عمر بن الخطاب بود .
- ۱۲- یزید بن المهلب والی بود

#### اتباع التابعین

اکنون چند نفر از اتباع التابعین که بنیشابور آمده و جزو اعلام آنجا قرار گرفته اند ذکر میشود :

- ۱- داود بن سلیمان الجرجانی (داودالقصیری) .
  - ۲- سفیان بن الثوری امام عصر و زاهد زمان بنسابور رسید در وقت رفتن ببخارا .
  - ۳- سالم بن قتیبه چون جد خود والی خراسان بود .
  - ۵- عبدالله بن مبارک امام عصره فی الآفاق .
- و چون شهر نیشابور تا اندازه ای مرکز مهاجرین مسلمانان شد، روز بروز بر تعداد آنها افزوده گردید و دیانت اسلام پیشرفتهای نمایانی حاصل کرد و مساجد و مدارس دینی بنیان گذارده شد .
- نیشابور رفته رفته بواسطه وفور علماء حدیث و فقهاء و مفسرین قرآن و دانشمندان لغت و نحو و سایر علوم متداوله زمان یکی از مراکز بسیار مهم درجه اول علوم دینی گردید بطوریکه از بلاد مختلفه اسلامی طالبان علم و علمای عصر به نیشابور آمده و در تقویت مبانی علمی مساعی فراوان مبذول داشتند و بطوری که سبق ذکر یافت اعلام نیشابور در چهار قرن ابتدای اسلام به ۲۶۸۵ نفر بالغ گردیده که ۸۸۹ نفر از اعلام مذکور از شهرهای مختلفه اسلامی باین شهر هجرت کرده و جزو اعلام آنجا شده اند و بقیه اعلام نیشابور از اهالی شهر نیشابور و اطراف آن بوده اند که ذکر اسامی آنها موجب طولانی شدن این وجیزه است .

اسامی اعلام نیشابور «تاریخ ابوعبدالله الحاکم» را آنچه مربوط بشهر نیشابور و اطراف آن بوده جداگانه یادداشت کرده و آنچه متعلق بشهرهای دیگر است علیحده در صفحاتی نوشته‌ام. اکنون اعلام نیشابور از شهرهای دیگر را به ترتیب حروف تهجی ذیلاً قلمداد میکنم تا اهمیت شهر نیشابور از نظر پیشرفتهای علمی و دینی روشن‌تر و واضح‌تر گردد.

#### نام بزرگان و تعداد اعلام نیشابور

که از سایر بلاد به نیشابور آمده‌اند .

- ۱- از مملکت آندلس (اسپانیا) شش نفر برای تحصیل علم به نیشابور آمده و جزو اعلام نیشابورند .
- ۲- اسفرا بن، چهل نفر از اعلام نیشابور اهل اسفرا بن بوده‌اند .
- ۳- از استوا (قوچان کنونی) سیزده نفر جزو اعلام نیشابورند که یک نفر از آنها مسلم بن حجاج بن مسلم است و «صحیح مسلم» منسوب باوست و کتاب صحیح او یکی از صحاح سه‌است و در شب یکشنبه ۲ رجب ۲۶۱ قمری فوت کرد و مقبره‌اش در سر میدان زیاد نیشابور بوده‌است .
- ۴- از اردبیل یک نفر بنام ابوالعباس الوراق محمد بن احمد بن عبدالله الاردبیلی جزو اعلام نیشابور است .
- ۵- از ابهر زنجان، ابوبکر القاضی عبدالرحمن بن محمد بن علویه الابهری جزو اعلام نیشابور است و قضاء طوس و ابیورد را داشته .
- ۶- از ابیورد خراسان شش نفر جزو اعلام نیشابور بوده‌اند .
- ۷- از اشرو سنه حامد بن ابی حامد الاشرو سنی در نیشابور، درس حدیث میگفته‌است .
- ۸- از شهر بخارا در مدت چهار قرن پنجاه نفر بنیشابور آمده و جزو اعلام نیشابور قرار گرفته‌اند .

- ۹- از باخرز خراسان دو نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۰- از بسطام (نزدیک شاهرود) پنج نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۱- از شهر بست (کاشمر حالیه و ترشیز سابق) بیست و یک نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۲- از شهر بلخ پنجاه و سه نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۳- از شهر بردع که اکنون جزو خاک همسایه در قفقاز واقع شده چهار نفر از اعلام نیشابورند .
- ۱۴- از شهر بغداد که در نیمه دوم قرن دوم هجری بوجود آمده در ظرف دو قرن سوم و چهارم هجری چهل و یک نفر به این شهر هجرت کرده و جزو اعلام نیشابور گردیده اند .
- ۱۵- از شهر بصره بیست و دو نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۱۶- از شهر بوزجان (بوژگان) حاکم نشین سابق تربت جام خراسان که در دو فرسخی شرقی تربت جام خرابه های آن اکنون باقی است سه نفر از اعلام نیشابورند
- ۱۷- از بیهق و سبزوار و از خسروگرد یک فرسنگی سبزوار بیست و یک نفر جزو اعلام نیشابور ذکر شده است .
- ۱۸- تربت حیدریه نو بنیاد - که در بلوک زاوه آنجا وقوع دارد از رستاق زاوه، یک نفر بنام ابو عبدالله محمد بن احمد بن المثنی السعید النیشابوری از اعلام است که محدثی کثیر الحدیث بوده و بشهرها برای آموختن حدیث سفر کرده
- ۱۹- از شهر ترمذ ترکستان شرقی سیزده نفر برای کسب علوم دینی به نیشابور آمده و جزو اعلام آنجا میباشند .
- ۲۰- حلوان - از شهر حلوان ابو الحسن محمد بن الفضل بن لؤلؤ الحلوانی جزو اعلام نیشابور است .
- ۲۱- از جوزجان - (کوزه کنان ترکستان) چهار نفر جزو اعلام نیشابورند

- ۲۲- از جوین خراسان (گویان) هشت نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۲۳- از جنابد (گناباد قهستان) پنج نفر جزو اعلام نیشابورند.
- ۲۴- از شهر خجند ترکستان دونفر بنام ابو عبدالله سلیمان بن اسرائیل الخجندی و ابو الفضل احمد بن یعقوب بن عمر بن الجنید بن موسی التمیمی جزو اعلام نیشابورند .
- ۲۵- از خوارزم دونفر بنام ابو محمد عبدالله بن عبدالوهاب التمیمی الخوارزمی و ابوبکر محمد بن جریر الادیب الخوارزمی از اعلام نیشابورند .
- ۲۶- از شهر خوی آذربایجان محمد بن عبدالله الخوئی جزو اعلام نیشابوراست .
- ۲۷- از خوف تربت حیدریه خراسان ابو الحسن علی بن قاسم بن علی الخوافی الادیب الشاعر از اعلام نیشابوراست .
- ۲۸- از شهر دینور (اراک) یکنفر بنام ابو محمد حسن بن محمد بن عبدالله الدینوری از اعلام نیشابوراست .
- ۲۹- از شهر دمشق (سوریه) پنج نفر جزو اعلام نیشابورند .
- ۳۰- از شهر دامغان دونفر بنام ابو الحسن احمد بن خلد الدامغانی و ابو محمد التاجر عبدالعزیز بن محمد الدامغانی از اعلام نیشابورند .
- ۳۱- از جلگه دهستان واقع در شمال بجنورد کنونی در ساحل راست رودخانه آترک یکنفر بنام ابونصر عبدالؤمن بن عبدالملک الدهستانی از اعلام نیشابوراست .
- ۳۲- از شهر رقه (عراق عرب) یکنفر بنام ابراهیم بن احمد بن عبدالله اترقی جزو اعلام نیشابوراست و جد اودر ایام طاهریه به نیشابور هجرت کرده بودداست .
- ۳۳- شهر ری یکی از مراکز علمی اسلامی قرون اولیه اسلام شهر ری است

مع الوصف در مدت چهار قرن صدر اسلام چهل و چهار نفر از شهر ری برای کسب علم و حدیث به نیشابور آمده و جزو اعلام نیشابورند .

۳۴- زورآباد - از نواحی مرزی خراسان با افغانستان است از این جلگه یکنفر بنام **ابوالفضل محمد بن احمد بن الحسن بن زیاد القیسی النیسابوری الزورآبادی** جزو اعلام نیشابور است و منزل او در کوچه رشته در دروازه معاذ نیشابور وقوع داشته است .

۳۵- زوزن - جای بسیار آبادی بوده و از نقاط مرزی خراسان و متصل به تایباد است و نام «ملک زوزن» در گلستان سعدی و کتب تاریخ مکرر دیده میشود و رجال بزرگ در ادب و شعروعلوم دینی بزوزن منسوبند و اکنون این ناحیه بکلی خراب و فاقد آبادی و سکنه است و چند رشته از قنوات زوزن را در سالهای اخیر مفتوح ساخته اند و بقیه آبادیهای سابق زوزن بایر و لم یزرع است از زوزن دوازده نفر جزو اعلام نیشابور میباشند .

۳۶- ساوه - از شهر ساوه یکنفر بنام **ابویعقوب یوسف بن اسمعیل بن یوسف الساوی** ضمن اعلام نیشابور ذکر شده است .

۳۷- سمرقند - از شهر سمرقند ماوراءالنهر در ظرف چهار قرن صدر اسلام دوازده نفر برای کسب علم به نیشابور آمده و بعداً جزو اعلام نیشابور قرار گرفته اند .

۳۸- سرخس - شهر سابق سرخس اکنون داخل خاک همسایه ایران است این شهر بسیار آباد و دارای رجال علمی بوده، از این شهر نوزده نفر جزو اعلام نیشابورند .

۳۹- سیستان - با اینکه سیستان فاصله زیادی با نیشابور دارد نه نفر اعلام نیشابور سیستانی بوده اند .

۴۰- سمنان - از شهر سمنان یکنفر بنام **ابوالحسین عبدالله بن یونس بن**

عبدالله السمنانی از اعلام نیشابور است .

۴۱- شهر سوس - از شهر شوش خوزستان ایران ابوسعید محمد بن یوسف

بن یعقوب السوسی جزو اعلام نیشابور است

۴۲- ساس - از شهر شاش (چاچ) ترکستان سیزده نفر جزو اعلام

نیشابورند که اهم آنها محمد بن علی بن اسمعیل ابوبکر القفال الشاشی است .

(امام عصر به ما وراء النهر) .

۴۳- صفانی - از شهر چغانیان یکنفر بنام محمد بن المشیر الصفانی جزو

اعلام نیشابور است .

۴۴- طالقان از شهر طالقان قزوین دونفر بنام محمود بن خدش الطالقانی

و ابو محمد عبدالله بن بشر بن عمیره البکری الطالقانی جزو اعلام نیشابورند .

۴۵- طبرستان از مازندران یازده نفر ادیب و فقیه و واعظ و صوفی جزو

اعلام نیشابورند .

۴۶- طرسوس شهر طرسوس در مرز بلاد اسلامی و رومیه سابق بوده و

اکنون جزو بلاد ترکیه (عثمانی سابق) است و مدفن عبدالله مأمون خلیفه عباسی در

آنجا بوده است و سه نفر از اهالی طرسوس جزو اعلام نیشابورند .

۴۷- طوس دشت طوس و شهرهای واقع در ناحیه طوس متصل بخاک

نیشابور است در مدت چهار قرن ابتدای اسلام چهل و نه نفر از طوس برای کسب

علم به نیشابور آمده و جزو اعلام نیشابورند .

۴۸- طبس از شهر طبس کیلکی (طبس خرما) چهار نفر ضمن اعلام

نیشابور ذکر شده است .

۴۹- عدن در ساحل بحر احمر وقوع دارد. از آنجا یکنفر بنام ابو

عمرو بکر بن احمد بن زکریا الشاهد المعروف بالعدنی از اعلام نیشابور است .

۵۰- فارس از ایالت فارس بیست و یک نفر جزو اعلام نیشابورند و در بین

- آنها فقیه و ادیب و نحوی و واعظ و مفسر و صوفی و مقری دیده میشود .
- ۵۱- فسا، از شهر فسا (مغربِ پسا) ی فارسی ابویوسف یعقوب بن سفیان الفسوی امام اهل الحدیث جزء اعلام نیشابور است .
- ۵۲- فاریاب، از شهر فاریاب واقع در ترکستان شرقی که بعداً آنجا را « اترار » نامیده‌اند و امیر تیمور کورکان در « اترار » فوت کرده‌است. دونفر بنام داود بن محراق الفاریابی و ابو عثمان سعید بن مشکان جزو اعلام نیشابورند .
- ۵۳- قزوین، از شهر قزوین هفت نفر جزو اعلام نیشابور بشمار می‌روند .
- ۵۴- قهستان مغرب کهستان شامل طبس و بشرویه و تون (فردوس) و گناباد و قاین و زوزن بوده‌است در مدت چهار قرن ابتدای اسلام یازده نفر از اعلام نیشابور قهستانی بوده‌اند .
- ۵۵- قم، از شهر قم ابوالحسن علی بن موسی بن زید الفقیه القمی امام اهل الرأی فی عصره از اعلام نیشابور است .
- ۵۶- قیروان، قیروان از بلاد شمال افریقا است و ابو عثمان سعید بن محمد بن سلمة العارف الزاهد المغربي ولادته بالقیروان فی قرية یقال لها کر کنت کان واحد عصره فی الورع والزهد والصبر و جاور مکه فوق العشرة و توفي بنیشابور سنه ثلاث و سبعین و ثلاث مائة و دفن بجانب ابی حفص و ابی عثمان فی الحیرة » .
- ۵۷- کابل، از شهر کابل پای تخت کنونی افغانستان محمد بن الحسین الکابلی النیشابوری جزو اعلام نیشابور است .
- ۵۸- کسکر، کسکر از نواحی رشت و عبای کسکر منسوب بآنجاست و ابوظاهر محمد بن محمد بن سعید المعدل الکسکری النیشابوری جزو اعلام نیشابور ذکر شده‌است .
- ۵۹- کش، شهر کش (شهر سبز) در ترکستان شرقی وقوع دارد و مولد امیر تیمور کورکان در این شهر بوده‌است و از آنجا پنج نفر محدث و فقیه و زاهد

جزو اعلام نیشابورند .

۶۰- کلات، کلات از نواحی خراسان است و بکلات نادری معروف شده دو نفر بنام ابو محمد عمرو بن زراره بن واقد الکلاتی النیسابوری و ابواحمد محمد بن عبدالله الکلاتی النیسابوری جزو اعلام نیشابورند .

۶۱- کوفه از شهر کوفه واقع در عراق عرب دوازده نفر جزو اعلام نیشابورند .

۶۲- کرمان، از شهر کرمان پنج نفر جزو اعلام نیشابورند که اهم آنها ابو عبدالله محمد بن یعقوب بن یوسف الشیبانی است و له تصانیف کثیره و هو صدر اهل الحديث فی زمانه .

۶۳- گرگان، از شهر گرگان پنجاه نفر فقیه و ادیب و وراق و محدث و دانشمند جزو اعلام نیشابور ذکر شده است .

۶۴- مدین، از شهر مدین سه نفر بنام ابو جعفر حسن بن محمد بن جعفر المدینی الزاهد المدفون بمقبرة ملقباد الذی یزار و یرجا اجابة الدعاء و ابو عبد الرحمن محمد بن ابراهیم بن القاسم المدینی النیسابوری و ابو عبد الرحمن عبد العزیز بن یحیی المدینی از اعلام نیشابورند .

۶۵- مدینه، از شهر مدینه النبی صلی الله علیه و آله، شش نفر در مدت چهار قرن صدر اسلام جزو اعلام نیشابور قرار گرفته اند که اهم آنها ابی الاسحق الاسح ابراهیم بن عبدالله بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیهم السلام است که در نیشابور حدیث می گفته و در سال ۲۸۵ قمری رحلت کرده است .

۶۶- مرو، شهر مرو در شصت فرسنگی شرقی نیشابور وقوع دارد نود و چهار نفر از اهالی مرو در ظرف چهار قرن برای اکتساب علوم به نیشابور آمده و بین آنها فقیه و قاضی و زاهد و محدث و غیره یافته می شود و اهم آنها ابو العباس مروزی

احمد بن معید بن مسعود است «قیل: ما اخرجت خراسان من الرؤسا مثل ابی العباس فی الرأی والعقل والدها» .

۶۷- مروالرود، شهر مروالرود نزدیک بشهر مرو وقوع دارد و چهار نفر از این شهر جزو اعلام نیشابورند .

۶۸- مصر، چهار نفر از اهالی مملکت مصر جزو اعلام نیشابور میباشند

۶۹- موصل، از شهر موصل عراق عرب ابوتراب محمد بن اسحق بن محمد الموصلی جزو اعلام نیشابور است .

۷۰- مکه معظمه، از شهر مکه عطاء بن احمد ابی السایت المکی از اعلام نیشابور است .

۷۱- نسا، شهر نسا در نزدیکی عشق آباد خاك شوروی واقع بوده و خرابه های آن، زیر ریگ روان مدفون شده است . از شهر نسا بیست و پنج نفر جزو اعلام نیشابورند و اهم آنها ابوالعباس حسن بن سفیان بن عامر بن عبدالعزیز بن النعمان بن عطاء الشیبانی النسوی است که اهل قریه بالوز سه فرسنگی نسا بوده و محدث معروف خراسان و در سال ۳۰۳ قمری فوت کرده است .

۷۲- نوقان، شهر قدیمی جلگه طوس نوقان است و اکنون جزو محلات شهر مشهد مقدس است و بشرحی که در مورد طوس نوشته شد چهل و نه نفر از طوس (طابران) و سه نفر از نوقان طوس بنام ابوتراب احمد بن محمد بن الحسن الواعظ الطوسی النوقانی و ابوالحسن علی بن جعفر بن عبدالله الطوسی النوقانی و ابی بکر ابی تراب المسافری النوقانی جزو اعلام نیشابورند لذا جلگه طوس پنجاه و دو نفر از اعلام نیشابور را شامل است .

۷۳- واسط، از شهر واسط عراق عرب چهار نفر جزو اعلام نیشابورند .

۷۴- هرات، از شهر هرات که مرکز دیگر علوم اسلامی بوده در چهار قرن ابتدای اسلام چهل و هفت نفر برای اکتساب علوم دینی به نیشابور آمده و

جزو اعلام نیشابورند و خواجه عبدالله انصاری معروف به پیر بهرات مدتی را در نیشابور بتحصیل اشتغال داشته‌است .

۷۵- همدان، از شهر همدان پنج نفر از اعلام نیشابورند و اهم آنها ابو حامد المزوری احمد بن الحسین بن علی قاضی القضاة خراسان است که پدرش همدانی بوده‌است .

۷۶- یزد، از شهر یزد دونفر بنام ابو محمد التاجر عبدالله بن محمد بن مهین الیزدی و محمد بن احمد بن جعفر الیزدی از اعلام نیشابور میباشند  
۷۷- یمن، از مملکت یمن واقع در ساحل بحر احمر دونفر بنام ابو جعفر محمد بن علی العلوی الیمانی و مسلم بن عبدالعزیز الیمانی ابو عبدالله الخصیب از اعلام نیشابور میباشند .

خوانندگان عظام توجه خواهند فرمود که بواسطه اهمیت و مرکزیت علمی نیشابور از هفتاد و هفت شهر اسلامی که در مشرق و مغرب و شمال و جنوب نیشابور واقع بوده افرادی برای کسب علوم اسلامی به نیشابور هجرت کرده و جزو اعلام و بزرگان شهر نیشابور بشمار رفته‌اند .

این کیفیت می‌رساند که شهر نیشابور بهترین محل برای کسب علوم و فنون بوده و مدرسین عالی مرتبه همواره محافل درس شهر نیشابور را به بهترین وضعی اداره می‌کرده‌اند .

تدریس مدرسین بقدری قوی و اساسی بوده که در چهار قرن صدر اسلام دوهزار و ششصد و هشتاد و پنج نفر راجزو اعلام و اشخاص سرشناس و مؤلفین و مصنفین و شعرا و لغویین و نحویین را این شهر قرار داده‌است .

بعضی از اعلام شهر نیشابور .

اکنون نام چند نفر از اعلام اهالی شهر نیشابور را بمقداری که این وجیزه اقتضا دارد ذیلاً معروض می‌داریم :

- ۱- ابویعقوب اسحق بن محمد بن مطر الحنظلی راهویه در نیشابور بود و همانجا در گذشت. عبدالله بن طاهر امیر خراسان پرسید چرا ترا راهویه میگویند؟ گفت در راه مکه متولد شدم باین جهت مرا راهویه میگویند یعنی در راه بدنیا آمده، پدرم از این اسم خوشش نمیآمد ولی من از این عنوان اکراه ندارم.
- ۲- ابومحمد احمد بن حریس قاضی نیشابور و هرات.
- ۳- حمید بن خاج بن القاسم العامری و او را مسجدی در نیشابور بوده.
- ۴- ابوعبدالله احمد بن سنان القشیری الخرقنی که خرکن قریه خارج شهر نیشابور بوده است.
- ۵- احمد بن علی بن حمویة النحوی النیشابوری.
- ۶- احمد بن محمد بن قصر معروف بمعاذ نیشابوری.
- ۷- ابوالحسن ایوب بن الحسن الفقیه الزاهد، مسجد و منزل او در محله نصرآباد نیشابور و قبر او در سر میدان زیاد بوده.
- ۸- ابوسعید اشرف بن محمد قاضی نیشابوری از یاران ابویوسف قاضی.
- ۹- ابوعلی غلام عبدالله بن مبارک که نصرانی بود و اسلام پذیرفت و ازائمه مسلمین گردید.
- ۱۰- ابواحمد محدث که حدیث بسیار نقل می کرد.
- ۱۱- ابوعبدالله المطوعی النیسابوری صاحب صومعه و مسجد بوده و مردم بصومعه و مسجد او تبرک می جستند.
- ۱۲- خشنام الصدیق نیشابوری که منزل او در بازار عمار در کوچه معن آباد بوده است.
- ۱۳- ابو محمد زیاد بن عبدالرحمن که میدان زیاد به نیشابور منسوب باوست
- ۱۴- زنجویه بن عبدالرحمن العابد النیسابوری و او را زنجویه حیری می گفتند و از محله حیره بود.

- ۱۵- ابوالقاسم سهل بن بشر بن ابوالقاسم الفقیه ملقب به سهلویه .
- ۱۶- سعید بن الصباح نیشابوری برادر یحیی که محله و کاروانسرائی به آنها منسوب است .
- ۱۷- سعید بن سلام بن قتیبه بن مسلم والی نیشابور .
- ۱۸- ابوطاحه طاهر بن الحسین بن مصعب بن زریق بن شادان الخزاعی ذوالیمینینی والی خراسان .
- ۱۹- ابوالقاسم طاهر بن عبدالله بن عطا امیر خراسان که در رجب ۲۴۸ قمری فوت کرده است .
- ۲۰- عبدالله بن هرون بن عبدالله بن مأمون بن هارون الرشید خلیفه عباسی که در نیشابور از علماء بشمار می رفته است .
- ۲۱- عبدالله بن یوسف بن خرشید الدویری النیسابوری و دویر قریه ای بر در دروازه نیشابور بوده .
- ۲۲- ابوهجمد عبدالله بن مخلد التیمی النیسابوری النحوی .
- ۲۳- ابوعبدالرحمن عبدالله بن محمد برهانی النحوی النیسابوری .
- ۲۴- ابوالعباس عبدالله بن طاهر بن الحسین بن مصعب بن زریق الخزاعی امیر نیشابور .
- ۲۵- عبدالرحمن بن عمار النیسابوری الشهید و کوچه عمار منسوب به پدر اوست .
- ۲۶- ابوالصلت عبدالسلام بن صالح بن سلیمان بن میسره خادم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بوده است .
- ۲۷- علی بن جمعه بن هانی بن قنبر غلام حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که هانی پسر قنبر باتفاق جعله بن هبیره خواهرزاده حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام به نیشابور آمد و آل قنبر در نیشابور خاندان بزرگی

بوده است .

۲۸- ابوالحسن علی بن الحسن بن موسی الهلالی الدار ابجدی و دار ابجد محلّه متصل بشهر نیشابور بوده .

۲۹- ابوالحسن علی بن مخلد بن شیبان النیسابوری که منزل او در چهار سوی کوچه زنجویه بوده .

۳۰- عقیل بن خویلد بن معاویه بن سعید که خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیده بود .

۳۱- ابونصر شاهنبری فتح بن رخ بن سنان بن رشد بن عبدالله العامری و «شاهنبر» محلّه ای بوده در علیای شهر نیشابور .

۳۲- ابو عبدالله الفقیه الادیب محمد بن ابراهیم بن سعید بن عبدالرحمن العبدی به نیشابور آمد و همانجا مرد .

۳۳- ابو جعفر الدیاج محمد بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام به نیشابور آمد و نزد مشایخ نیشابور تحصیل کرد و در گرگان در گذشت و قبر او آنجاست .

۳۴- ابو عبدالله السعرائی الصواف محمد بن الحسن بن طرخان النیسابوری و بازار طرخان نیشابور منسوب باوست .

۳۵- ابوبکر الفقیه الزاهد محمد بن داوود بن منصور که در صفر ۲۶۵ قمری فوت کرد و در گورستان محلّه حیره، دفن شد .

۳۶- ابو عبدالله محمد بن رافع بن ابی زید القشیری شیخ عصر خود، دو منزل او در بازار اولی، از باغ زارس قرار داشته

۳۷- ابو احمد الفقیه الادیب محمد بن عبدالوهاب بن حبیب بن مهران العبدی الفراء و او اعقل مشایخ و ملقب به «حمد» بود و نیشابوریان محمد را «حمد» و «حمش» می گویند و اولاد خود را ملقب به «حمد» می نمایند .

۳۸- ابو عبدالله النیسابوری محمد بن عقیل بن خویلد بن معاویه بن سعید الخزاعی از اعیان علماء صالحین و مسجد و مناره واقع در سر کوچه حرب منسوب باو است .

۳۹- ابو عبدالله الذهلی محمد بن یحیی بن عبدالله بن خالد بن فارس النیسابوری امام عصر خود در علم حدیث بوده .

۴۰- ابوالحسن القشیری النیسابوری مسلم بن حجاج بن مسلم مؤلف «صحیح مسلم» که منزل او در بالای محله «زمجار» نیشابور وقوع داشته و معاش از املاکی که در استوا (قوچان کنونی) داشته می‌رسیده و در رجب سال ۲۶۱ قمری فوت کرده و مقبره او در سر میدان زیاد نیشابور بوده است .

۴۱- مسلم بن الحسین بن معاذ بن مسلم النیسابوری و او سفیان بن سعید الثوری را دیده بود .

۴۲- ابو محمد نصر بن زیاد بن نهیگ قاضی نیشابور بر مذهب کوفیون بود و در سن ۹۶ سالگی در سال ۲۳۶ قمری درگذشت .

۴۳- ابو محمد نصر بن محمد بن النصر بن سلمه بن الحارود بن یزید النیسابوری البیشکی و بیشک قصبه «رخ» است و قبر او در آنجاست و زیارت میشود و یحیی بن منصور قاضی گفت : که سعید بن عثمان بن عفان که بخراسان سفر میکرد از راه اصفهان به بیشک (جلگه رخ نیشابور) آمد و بیمار شد و در بیشک زن گرفت و دختری از زن بیشکی پیدا کرد و او را عین النساء نامید، آن دختر را محمد بن نصر بیشکی که از علماء زمان بود بزی گرفت و خداوند پسری باو عنایت فرموده نام او را نصر گذاشت و این نصر بن محمد البیشکی جد پدر ابی الحسن المحمی النصر بن سلمه بن عروه ابوسعید نیشابوری است .

۴۴- محمد بن یحیی بن محمد بن یحیی بن عبدالله بن خلدن فارس الذهلی امام نیشابور در فتوی و ریاست بود و بازار و مسجدی منسوب باو است و شهید شد

۴۵- یحیی بن حماد کاتب عبدالله بن طاهر والی خراسان بود و او نیشابوری است .

۴۶- یوسف بن یحیی الذهلی برادر امام محمد بن یحیی شهید است

۴۷- ابوالاسود کسی که محله ای الاسود در اعلائی شهر نیشابور منسوب باوست و دروازه ای که براه کوه منتهی میشود .

۴۸- ابراهیم بن اسحق بن حمدان بن عبدالله الثقفی النیسابوری ساکن بغداد شد تا مرد و احمد بن حنبل او را احضار و با او مزاح می کرد و نزد او افطار می نمود .

۴۹- ابراهیم بن محمد بن نوح بن عبدالله بن خلد بن اشربن ابواسحق المزکی النیسابوری که پدرش مکنی ابوطالب بود و عبدالله بن سعید می گفت : من مثل ابراهیم بن ابی طالب ندیدم و در ۲۹۵ قمری در گذشت و در قبرستان حسین بن معاذ دفن شد و ابو عبدالله محمد بن یعقوب حافظ می گفت: در شهر ما نیشابور در حدیث مانند محمد بن یحیی و مسلم بن الحجاج و ابراهیم بن ابی طالب کسی نبوده است و ابراهیم بن ابی طالب را در علم حدیث تصانیف است .

۵۰- ابواسحق المالکی ابراهیم بن محمد بن حمزة الفقیه معروف به قطان مسجد و مدرسه اش معروف بمیان دیه بود و بعد از او مالکیه در نیشابور مدرس نداشتند .

بمنظور احتراز از تطویل کلام از ذکر بقیه رجال علم و حدیث و دانشمندان و بزرگان نیشابور قدیم خودداری شد و ضمناً متذکر است که تعداد اعلام مذکور در «تاریخ ابو عبدالله الحاکم» متعلق به چهار قرن صدر اسلام است در قرن پنجم و ششم و اوایل قرن هفتم هجری بزرگان دیگری در هریک از رشته های علوم متداوله آن عصر در نیشابور بتعلیم و تدریس اشتغال داشته اند که برای ذکر اسامی و تألیفات و حالات آن بزرگان به کتب رجال و سایر کتبی که بمنظور

وافی باشد باید مراجعه شود و انجام این نظر به چند سال مطالعه و تحقیق و بررسی و دقت نیازمند است و امید است افرادی که استعداد و فرصت بیشتری دارند باین امر مهم اقدام فرمایند .

در خاتمه این مقال بمورد است که چند شعر فتوحی بلخی را که بغلط بنام انوری ابیوردی شهرت یافته یادآور شوم زیرا در این قطعه، شعری در مورد نیشابور گفته شده که مؤید و مبین تمام مفاد این وجیزه می باشد و اشعار فتوحی بلخی اینست :

چهار شهر است خراسان را در چار طرف که وسطشان بمسافت کم، صد درصد نیست  
گرچه معمور و خرابش همه مردم دارد نچنانست که آبستن دیو و دد نیست  
مرو، شهری است بترتیب همه چیز دراو جدو هزلش متساوی و هری هم بد نیست  
بلخ شهری است دراگنده باو باش ورنود در همه شهر و نواحیش یکی ر بخر د نیست  
حبذا شهر نساور که در روی زمین گریه است همان است و گرنه خود نیست  
مصر جامع را چاره نبود از بدو نیک معدن زر و گهر بی سرب و بسد نیست

نیشابور سوانح بسیار داشته مدتها حکام خلفای اموی در این شهر حکومت کرده و در زمان خلفای عباسی سالها اخفاد طاهر ذوالیمینین حکمروائی داشته اند تا بدست یعقوب بن لیث صفاری طومار حکومت آنها در نو ر دیده شد .  
بعد از صفاریان سلسله سامانی نیشابور را در حیطه تصرف داشته و پس از سامانیان سلاطین غزنوی در نیشابور فرمان روا بودند . بعد از غزنویان سلاطین سلجوقی به نیشابور راه یافته و فتنه غز در سلطنت سلطان سنجر سلجوقی بسال ۵۳۶ قمری حادث شد و در این سانحه نیشابور غارت و قتل عام گردید و خرابی زیاد بآن وارد آمد . پس از سلاطین سلجوقی نوبت سلطنت بخوارزم شاهیان رسید و در عهد محمد خوارزم شاه که مغولها او را محمد اگری یعنی محمد دزد می گفتند در سال ۶۱۸ قمری شهر نیشابور بدست لشکر مغول قتل عام و غارت و خراب گردید

و روی خرابه‌های شهر که تسطیح شده بود زراعت کاشتند و بیشتر کتب و آثار بزرگان نیشابور ضمن خرابی آنجا در زیر خاک مدفون شد و این هجوم و قتل عام لشکر مغول چنان ضربتی به نیشابور زد و چنان خرابی به بار آورد که مرکزیت علمی نیشابور را از بین برد و تا بحال که هفتصد و هفتاد سال از این واقعه جانگداز خانه‌برانداز می‌گذرد شهر نیشابور نتوانسته است قامت راست کند و موقعیت سابق خود را بازیابد .

این نکته نیز قابل توجه است که شهر نیشابور در طول عمر خود چندین نوبت در اثر زلزله شدید دچار خرابیها و صدمه گردیده است و بیان سوانح مختلفه نیشابور موکول بفرصتی دیگر است و خلاصه سخن اینست که نیشابور مرکز خراسان و قدیم‌ترین پایگاه علوم اسلامی در ایران بوده است .